
امریکای فوق سری

نظام اطلاعاتی و امنیتی امریکا

جکونگی برآمدن حکومت پلیسی جدید در ایالات متحد امریکا

نوشتۀ

دانا پرست، ویلیام ام. آرکین

(گزارش گران روزنامه واشنگتن پست)

ترجمۀ

هرمز همایون پور



This is a Persian translation of
Top Secret America
The Rise of the New American Security State
by Dana Priest and William Arkin
Little, Brown and Company, New York, 2011.
Translated by Hormoz Homayounpour
Kandokāv Publishing House, Tehran, 2013
info@kandokavpub.ir

سرشناسه: پرست، دینا Priest, Dana
عنوان و نام پدیدآور: امریکای فوق سری، نظام اطلاعاتی و امنیتی آمریکا: چگونگی برآمدن حکومت پلیسی جدید در ایالات متحد
امریکا / نوشته دانا پرست، ویلیام ام. آرکین؛ ترجمه هرمز هایون پور.
مشخصات نشر: تهران: کندوکاو، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۳۶ ص.

شابک: 978-600-6363-07-3

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان اصلی: Top Secret America: The Rise of the New American Security State

یادداشت: نمایه

موضوع: تروریسم -- ایالات متحد -- پیش‌گیری.

موضوع: امنیت ملی -- ایالات متحد

موضوع: امنیت داخلی -- ایالات متحد

موضوع: سازمان اطلاعاتی -- ایالات متحد

موضوع: اسرار دولتی -- ایالات متحد -- برون‌سیاری

موضوع: اسرار دولتی -- ایالات متحد

شناسه افزودن: آرکین، ویلیام ام. Arkin, William M.

شناسه افزودن: همایون پور، هرمز، ۱۳۱۸، مترجم

رده‌بندی کنکر: ۸۱۳۹۲ الف ۴ پ ۴۴۳۲/۵۷۶۴۳۲

رده‌بندی دیویی: ۳۶۴/۳۲۵۱۷۰۹۰۳

شماره کتابشناسی علی: ۳۱۲۳۱۱



دانا پرست، ویلیام ام. آرکین

امریکای فوق سری

چگونگی برآمدن حکومت پلیسی جدید در ایالات متحد آمریکا

ترجمه هرمز همایون پور

چاپ یکم ترجمه فارسی: تابستان ۱۳۹۲، آماده‌سازی و نظارت بر چاپ: نشر کندوکاو

(حروفنگاری و صفحه‌آرایی: شبستری، نمونه‌خوانی: غلامحسین دهقانی، نظارت بر چاپ: هومن بخشی)

طراح جلد: محمودرضا لطیفی

لیتوگرافی: طاووس‌رایانه، چاپ: نیل، صحافی: چاوش

شمارگان: ۱،۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

انتشارات کندوکاو

خیابان شهید مدنی، کوچه باقرنژاد، شماره ۳۲، تهران ۱۶۳۸۹

مرکز پخش: کتاب دوستان

خیابان فخر رازی، شماره ۳۳، تهران ۱۳۱۴۸

تلفن: ۶۶۴۹۲۹۶۲، ۶۶۴۸۰۵۶۹، ۰۹۸۷، ۶۶۴۰۰

فروش اینترنتی: www.agahpub.ir & www.agahbookshop.ir

قیمت: ۱۵،۰۰۰ تومان

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۹	فهرست نام‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها
۱۷	مقدمه: وضعیت زرد دائمی
۲۳	یادداشتی در باب روش کار (متدولوژی)
۲۷	فصل یکم: امریکای فوق سری
۳۷	فصل دوم: آن‌چه نیاز دارید بدانید
۶۳	فصل سوم: خدا یا کمکم کن
۸۵	فصل چهارم: جغرافیای بدیل
۱۱۱	فصل پنجم: دولت عظیم‌الجثه
۱۳۹	فصل ششم: یک ملت، یک نقشه
۱۶۵	فصل هفتم: فعالیت‌های مشکوک را گزارش دهید
۱۹۵	فصل هشتم: دو صفر ۷ها
۲۱۷	فصل نهم: کارت بازرگانی
۲۴۵	فصل دهم: مدیریت میدان جنگ از پناهگاهی در حومه‌ای امن
۲۶۵	فصل یازدهم: وجودی پوشیده
۳۰۱	نتیجه‌گیری: پس از هراس ۹/۱۱
۳۲۵	نمایه

یادداشت مترجم

آیا از تاریخچه فعالیت های اطلاعاتی-امنیتی امریکا، و به خصوص گسترشی عجیب و غریب که بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حملات القاعده به برج های تجارت جهانی در نیویورک و ساختمان وزارت دفاع در واشنگتن پیدا کرده است، اطلاع دارید؟ آیا می دانید که سالانه تریلیون ها دلار صرف ۱۶ سازمان اطلاعاتی اصلی امریکا می شود، که هر کدام از آن ها هم چندین دستگاه و سازمان وابسته به خود دارند؟ آیا اطلاع دارید که به سبب تداخل ها و دوباره کاری ها چه مبالغ هنگفتی از اعتبارات امنیتی امریکا به هدر می رود؟

این موارد تاریخی، اقتصادی، و سیاسی مطالب گاه حیرت انگیزی است که دو خبرنگار روزنامه واشنگتن پست پس از چندین سال تحقیق فشرده در این کتاب مطرح می کنند، کتابی که، به قول خود آن ها، سیا (سازمان اطلاعات و امنیت خارجی امریکا) و اف بی آی (سازمان اطلاعات و امنیت داخلی امریکا) و نیز سازمان امنیت ملی، نهادهای که پس از حملات ۱۱ سپتامبر برپا شده است، با انتشار آن موافق نبوده اند، و واشنگتن پست نیز به ناچار بخش هایی از این گزارش منحصر به فرد را حذف کرده است.

گزارش این دو روزنامه نگاران را بی اختیار به یاد گزارش های مشابهی می اندازد که در دهه ۱۹۷۰ باب وودوارد و یکی دیگر از خبرنگاران واشنگتن پست درباره رسوایی واترگیت منتشر کردند (جاسوسی مأموران حزب جمهوری خواه در دفتر حزب دموکرات، ماجرای که امریکا و دنیا را تکان داد و سرانجام به استعفای ریچارد نیکسون، رئیس جمهور وقت امریکا، از حزب جمهوری خواه منجر شد).

امریکای فوق سری! یا به کلی محرمانه کتابی است که پس از انتشار، همان طوری که انتظار می رفت سروصدایی در امریکا به راه انداخت، و احتمالاً موجب اصلاحات و تحولاتی در دستگاه امنیتی امریکا خواهد شد. بخش هایی از این کتاب تکان دهنده به صورت پاورقی در گرامی نامه اطلاعات منتشر شد که مورد توجه قرار گرفت، و اینک متن کامل آن، با ویرایش و

زدودن غلط‌های چاپی، به نظر شما می‌رسد. لازم به توضیح است که ضبط اعلام فراوان
مندرج در کتاب، تا جای ممکن، بر پایه *دایرةالمعارف فارسی* (دکتر غلامحسین مصاحب) و
فرهنگ تلفظ نام‌های خاص (فریرز محمدی / فرهنگ معاصر) صورت گرفته است.

ه. ه.

آذر ۱۳۹۱

www.ketab.ir

فهرست نام‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها*

سنتکوم (Central Command = ستاد فرماندهی): مرکز فرماندهی وزارت دفاع (Defense Department)، مقر آن در مک‌دیل (MacDill AFB). سنتکوم فرماندهی سپاهیان و عملیات نظامی آمریکا را در خاورمیانه، شمال آفریقا، و آسیای مرکزی بر عهده دارد.

سیا (Central Intelligence Agency = CIA): سیا که مقر آن در مک‌لین (McLean)، ویرجینیا، قرار دارد، مسئول جمع‌آوری اوزشیایی، و توزیع اطلاعات مربوط به امور سیاسی، نظامی، علمی، و سایر تحولات مناطق جهان بین مسئولان و مقامات حکومت ایالات متحد است. جاسوسان سیا اطلاعات تهدیدکننده منافع آمریکا را جمع‌آوری می‌کنند. از جمله اطلاعات مربوط به تروریسم، تولید تسلیحات جدید، قاچاق بین‌المللی مواد مخدر و گروه‌های تبهکار، و سازمان‌های جاسوسی خارجی.

سی‌فین (Defense Critical Infrastructure Program for Finance = CIPFIN): پایگاه داده‌ها (database) و عناصر مربوط به برنامه تأسیسات حساس دفاعی، که مسئولیت شناسایی و سنجش امنیت اموال و دارایی‌های فیزیکی و سبیرنتیکی و نیز تأسیسات دولتی و خصوصی مرتبط با امنیت ملی (national security) را بر عهده دارد.

دی‌اچ‌اس (Department of Homeland Security = DHS، وزارت امنیت داخلی): دستگاهی که بر اساس «قانون امنیت ملی» مصوب ۲۰۰۲، در ۲۴ ژانویه ۲۰۰۳ تأسیس شد، و مسئولیت تدارک و تدوین یک راهکار جامع ملی و برقراری هماهنگی‌های لازم با آن را با

* برگردان‌ها به فارسی تحت‌لفظی است و به‌خصوص در مورد اصطلاحات اطلاعاتی-امنیتی (نظیر سری، محرمانه، به‌کلی محرمانه...) خیلی دقیق نیست. مترجم انتظار دارد افراد وارد او را هدایت کنند. - مترجم.

هدف تقویت امریکا در مقابل تهدیدها یا حمله‌های تروریستی عهده‌دار است. سازمان‌های مسئول حمل و نقل ایمن ادارات دولتی، مهاجرت، و مراقبت‌های گمرکی در آن ادغام شده‌اند.

دیا (سازمان اطلاعات دفاعی = Defense Intelligence Agency, DIA): بزرگ‌ترین تولیدکننده و مدیر اطلاعات نظامی خارجی برای وزارت دفاع، که یکی از شانزده عضو تشکیل‌دهنده جامعه اطلاعاتی امریکا است. رئیس دیا مشاور اصلی وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک در امور اطلاعات نظامی است، و سازمان او مدیریت برنامه وابسته‌های نظامی (Defense Attaché program) را بر عهده دارد.

دی ان آی (مدیر اطلاعات امنیت ملی = Director of National Intelligence, DNI): مقامی هم‌عرض اعضای کابینه، نوعی سزار اطلاعاتی که نقش او هماهنگ کردن مجموع شانزده سازمان و وزارت خانه‌ای است که جامعه اطلاعاتی را تشکیل می‌دهند. مدیر اطلاعات امنیت ملی (دی ان آی) مشاور اصلی رئیس جمهور و شورای امنیت ملی (National Security Council) در امور اطلاعات مرتبط با امنیت ملی است. او، هم‌چنین، مسئولیت نظارت و هدایت اجرای برنامه اطلاعات امنیت ملی (National Intelligence Program) را بر عهده دارد. در واقعیت امر، قدرت مدیر اطلاعات امنیت ملی بیشتر از آنچه در قانون تعریف شده بستگی دارد به رابطه او با رئیس جمهور و رئیسان دیگر سازمان‌های اطلاعاتی امریکا.

دی اودی (وزارت دفاع = Department of Defense, DoD): وزارت خانه اجرایی به ریاست وزیر دفاع. وزارت دفاع مسئول تأمین، سازماندهی، و مدیریت نیروهای نظامی مورد نیاز برای پیش‌گیری از جنگ و شرکت در جنگ‌ها به منظور حفاظت از امنیت ایالات متحد امریکا است. شاخه‌های اصلی این نیروهای نظامی عبارت اند از ارتش، نیروی دریایی، تفنگداران دریایی (Marine Corps)، و نیروی هوایی، که در مجموع تشکیل از حدود ۱,۳ میلیون زن و مرد نظامی هستند. این نیروها، در شرایط اضطراری، از سوی ۸۲۵,۰۰۰ نفر عضو و ذخیره گارد ملی (National Guard) تقویت می‌شوند. به علاوه، حدود ۶۰۰,۰۰۰ کارمند غیر نظامی نیز در وزارت دفاع شاغل‌اند.

دوها (اداره دادرسی و استیناف وزارت دفاع = Defense Office of Hearings and Appeals = DOHA): بخشی از «سازمان خدمات دفاعی حقوقی» (Defense Legal Services Agency) وابسته به وزارت دفاع امریکا، که در دعاوی اشخاص ثالث و هم‌چنین بررسی صلاحیت کارکنان قراردادی که به کارهای محرمانه دسترسی دارند، برای وزارت

دفاع و نیز بیست سازمان و مؤسسه دیگر فدرال خدمات حقوقی و مشورتی انجام می‌دهد. اف بی آی (Federal Bureau of Investigation = FBI): سازمان اصلی دولت فدرال برای اعمال موازین قانونی در حوزه‌های مبارزه با تروریسم و ارتکاب جرائم فدرال در داخل ایالات متحد آمریکا. رئیس اف بی آی مقامی هم‌تراز وزیران کابینه دارد.

اف آی اس دی (Federal Investigative Services Division = FISD): این‌س اداره مسئول انجام دادن تحقیقات پایه‌ای دربارهٔ صلاحیت استخدامی و امنیتی افراد برای اشتغال در سازمان‌های دولتی است. در ۲۰۰۵، ادارهٔ خدمات امنیتی وزارت دفاع وظایف خود را در حوزه تحقیقات امنیتی از افراد (همراه با ششصد کارمند) به اف آی اس دی منتقل کرد. بیشتر سازمان‌های اصلی جامعهٔ اطلاعاتی آمریکا در خارج از وزارت دفاع، مسئولیت تحقیقات امنیتی و برنامهٔ تأیید صلاحیت کارکنان را خود برعهده دارند.

جی‌او (Government Accountability Office = GAO): این اداره که در ۱۹۲۱ تشکیل شد، نهادی با بودجه و پاسخ‌گویی مستقل است که برای کنگره آمریکا کار می‌کند. ج‌او تحقیق می‌کند که دولت فدرال دلارهای مالیات‌دهندگان را چگونه خرج می‌کند. رئیس این اداره، حسابدار کل و ممیز مالی ایالات متحد است.

جی‌ای‌او‌آی‌ان‌تی (Geospatial Intelligence = GEOINT): ادارهٔ اطلاعات زمین-فضا، مسئول جمع‌آوری عکس‌ها، عکس‌های اطلاعاتی، (imagery intelligence) و اطلاعات زمینی-فضایی (نقشه‌کشی، طراحی، زمین‌سنجی) در ارتباط با وجوه فیزیکی زمین و اعماق آن است. قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ادارهٔ زمین‌شناسی آمریکا (U.S. Geologic Survey) مسئول تولید عکس‌ها و اطلاعات زمین-فضا برای دولت آن کشور بود.

آی‌او (Information Operations = IO): ادارهٔ عملیات اطلاعاتی، که گاهی عملیات نفوذی خوانده می‌شود، عمدتاً در حوزهٔ نفوذهای خارجی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن مسئولیت دارد. در جریان منازعات نظامی و مسلحانه، وظایف این اداره شامل تلاش برای دستیابی به هدف‌های فیزیکی و روان‌شناختی برای حمایت از عملیات نظامی نیز می‌شود. بخش نظامی آی‌او شامل عملیات روان‌شناختی (psychological operations = PSYOP)، نیرنگ‌های نظامی، و عملیات امنیتی (operations security = OPSEC) است، یعنی اقداماتی که برای حفاظت از امنیت آمریکا، عملیات و اطلاعات و ضد اطلاعات آن کشور، و پیشبرد این هدف‌ها لازم شمرده می‌شود.

ج‌سی‌آی‌تی‌ا (Joint Counterintelligence Training Academy = JCITA): واقع

در الکریج (Elkridge)، مریلند، نهاد اصلی آموزشی با تخصص در ضد جاسوسی پیشرفته است. در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد، بخشی از «سازمان اطلاعات دفاعی» است، و به بیش از ده هزار کارمند نظامی سازمان مزبور در سراسر جهان از طریق کلاس‌های حضوری، فناوری‌های ارتباطی، و تعلیمات از راه دور (distance learning) آموزش می‌دهد.

ج سی اس (Joint Chiefs of Staff = JCS) = ستاد مشترک نیروهای مسلح: متشکل از صاحب‌منصبان ارشد نظامی که به رئیس‌جمهور، وزیر دفاع، و شورای امنیت ملی (National Security Council) در امور نظامی مشورت می‌دهد. متشکل است از رئیس ستاد مشترک (Chairman of the Joint Chiefs of Staff = CJCS)، و فرماندهان نیروهای زمینی، دریایی، هوایی، و تفنگداران دریایی، که همه آن‌ها پس از تأیید سنا از سوی رئیس‌جمهوری منصوب می‌شوند. مقرر آن در پنتاگون قرار دارد، و اگرچه هیچ نوع قدرت عملیاتی ندارد، اهمیتی روزافزون در طراحی استراتژی و تاکتیک‌های ارتش در عملیات ضد تروریستی پیدا کرده است.

ج اس اوسی (Joint Special Operations Command = JSOC) = فرماندهی عملیات ویژه مشترک: این نهاد به عنوان نیروی نجات‌دهنده گروگان‌ها در ۱۹۸۰ تأسیس شد. در ۲۰۰۳ از سوی ژنرال استنلی مک‌کریستال (Stanley McChrystal) تجدید سازمان شد تا به یک نیروی تهاجمی کارآمد عمدتاً برای کشتن و دستگیر کردن رهبران اصلی تروریست‌ها در عراق، افغانستان، فیلیپین، یمن، و دیگر نقاط تبدیل شود.

ج تی اسی (Joint Terminal Attack Controller = JTAC) = پایگاه کنترل‌کننده حملات: کارکنان نیروی هوایی که خلبانان این نیرو را در حمله به هدف‌ها از طریق پایگاه‌های زمینی هدایت می‌کنند.

ج تی تی اف (Joint Terrorism Task Force = JTTF) = نیروی ضربت مشترک علیه تروریسم: این نیرو تحت هدایت اف بی آی همه نهادهای مجری قانون را در سطوح فدرال، ارتشی، ایالتی، و محلی به منظور تحقیق و تحلیل تروریسم در داخل آمریکا و تجهیز منابع لازم گرد هم جمع می‌کند. تعداد این نیرو از ۳۵ نفر در سال ۱۹۸۰ - که در شهر نیویورک تأسیس شد - بعد از ۱۱ سپتامبر گسترش یافت و تا ۲۰۱۱ به ۱۰۶ نفر رسید. بزرگ‌ترین واحدهای این نیرو در نیویورک، واشنگتن، و لس‌آنجلس قرار دارد، که هریک از آن‌ها شامل صدها کارمند و مأموران رابط از دیگر سازمان‌هاست. کوچک‌ترین آن‌ها هم حداقل ده بیست نفر کارمند دارد.

ان سی سی تی سی (National Counterterrorism Center = NCTC) = مرکز ملی ضد تروریسم: این نهاد بر اساس «قانون اصلاح اطلاعات امنیتی و پیش‌گیری از تروریسم»

(Intelligence Reform and Terrorism Prevention Act)، مصوب ۲۰۰۴، تأسیس شد، و وظایف آن عبارت است از ادغام و درهم آمیختن، و تحلیل همه اطلاعات درباره تروریسم و عملیات ضد تروریسم و نیز طراحی برنامه‌های راهبردی ضد تروریسم. سازمانی تابع اداره «مدیر اطلاعات امنیت ملی» (دی ان آی) است، و «پایگاه اطلاعاتی ارزیابی امنیتی تروریست‌ها» (Terrorist Screening Database = TSDB) در آن قرار دارد، پایگاهی مستند و موثق که از طریق دو منبع اصلی تغذیه می‌شود: اطلاعات بین‌المللی خود ان سی تی سی در باب تروریست‌ها و اطلاعات داخلی اف بی آی درباره آن‌ها.

ان جی ا (National Geospatial-Intelligence Agency = NSA) = سازمان ملی اطلاعات امنیتی زمین-فضا، واحدی در وزارت دفاع برای حمایت از عملیات دفاعی که اطلاعات امنیتی زمین-فضا را به منظور حفاظت از امنیت ملی تأمین می‌کند. هم‌چنین، تأمین‌کننده عکس‌ها و نقشه‌های اطلاعاتی و ارائه‌دهنده راه‌های ضد جاسوسی برای سازمان دفاع ملی امریکا، وزارت امنیت داخلی، و دریانوردی ایمن (safety of navigation) است. مقران جی ا در بتسدا، مریلند، قرار دارد. اما ادارات مفصلی نیز در واشنگتن، ویرجینیای شمالی، و سنت‌لوئیس متعلق به آن است.

ان آی ای (National Intelligence Estimates = NIEs) = ارزیابی‌های اطلاعات امنیتی ملی: این نهاد که از سوی «شورای ملی اطلاعات امنیتی» (National Intelligence Council) تشکیل شد، مسئول مجموع ارزیابی‌های آینده‌نگر جامعه اطلاعاتی امریکا است، و گزارش‌های آن غالباً تحت عنوان به کلی محرمانه طبقه‌بندی می‌شود. موضوع‌های بررسی آن از زمینه‌هایی چون پیش‌بینی نیروهای هسته‌ای روسیه و چین تا تأثیر تغییرات آب و هوایی بر امنیت ملی امریکا را دربر می‌گیرد.

نیما (National Imagery and Mapping Agency = NIMA) = سازمان ملی عکس‌برداری و نقشه‌کشی: همان نهادی است که در سال ۲۰۰۳ به «سازمان ملی اطلاعات زمین-فضا» تغییر نام یافت.

نوراد (North American Aerospace Defense Command = NORAD) = فرماندهی دفاع از فضای هوایی امریکای شمالی: نهاد مشترک امریکایی-کانادایی که وظیفه‌اش دادن هشدار و اخطار علیه حملات موشکی، هوایی، و از سفینه‌های فضایی (spacecrafts) به ایالات متحد است. کنترل فضای هوایی امریکای شمالی بر عهده این سازمان است. فرمانده این نهاد در برابر رئیس‌جمهوری امریکا و نخست‌وزیر کانادا، هر دو، مسئولیت دارد.

نرو (National Reconnaissance Organization = NRO) = سازمان ملی عملیات شناسایی: نرو به عنوان واحدی محرمانه از وزارت دفاع در ۱۹۶۱ تأسیس شد و تا ۱۹۹۲ که

از حالت محرمانه خارج شد به همان صورت باقی ماند. مقر آن در چانتیلی (Chantilly) ویرجینیا، قرار دارد، و طراحی و ساخت ماهواره‌های اکتشافی آمریکا، که منبع اصلی جمع‌آوری داده‌ها برای پایگاه اطلاعاتی زمین-فضا محسوب می‌شوند، برعهده آن است. بیشتر فعالیت‌های آن از طریق پیمانکاران (contractors) صورت می‌گیرد.

ان‌اس‌ا (National Security Agency = NSA = سازمان امنیت ملی): نهادی که در ۱۹۵۲ تأسیس شد و در سراسر دنیا استراق‌سمع می‌کند. وظایف آن، به‌علاوه، شامل حفاظت از شبکه‌های اطلاعاتی (information systems) مربوط به امنیت ملی آمریکا و نیز جمع‌آوری و توزیع پیام‌های اطلاعاتی خارجی است (که سیگنال‌ها (SIGINT)، یا رهگیری‌ها (intercepts)، نامیده می‌شوند). حوزه‌های تخصصی این نهاد شامل رمزگشایی و تحلیل متون رمزی، رمزنویسی، تحلیل ریاضی، علوم کامپیوتری، و تحلیل زبان‌های خارجی است، بخشی است از وزارت دفاع و کارکنان نظامی و غیرنظامی در آن شاغل‌اند.

او‌ان‌آی (Office of Naval Intelligence = ONI = اداره اطلاعات امنیتی دریایی): واحد اصلی ضد جاسوسی نیروی دریایی که مقر آن در «مرکز ملی اطلاعات امنیتی دریایی» (National Maritime Intelligence Center = NMIC)، در سویتلند، مریلند، واقع است. مسئول اطلاعات امنیتی دریایی و تحلیل و ارزیابی توانمندی‌های نیروهای دریایی خارجی، گرایش‌ها، عملیات، تاکتیک‌ها، و فعالیت‌های دریایی جهانی است و در زمینه‌هایی گسترده گزارش‌های تحلیلی ارائه می‌دهد.

اوپ‌اس‌ای سی (Operation Security = OPSEC = امنیت عملیات): اقداماتی که برای پیش‌گیری از افشای اسناد، فناوری، و برنامه‌ها نزد کارکنان غیرمجاز انجام می‌گیرد.

او‌اس‌دی (Office of the Secretary of Defense = OSD = دفتر وزیر دفاع): واحدی است که سیاست‌های کلی دفاعی و سیاست‌های مرتبط با وزارت دفاع را صورت‌بندی می‌کند. تشکیلات آن عمدتاً از طریق معاونان و زیر (undersecretaries) عمل می‌کند: معاون امور تدارکات، فناوری، و پشتیبانی (logistics)؛ معاون امور اطلاعات امنیتی؛ معاون امور پرسنلی و آمادگی (readiness)؛ و معاون امور سیاست‌گذاری.

اس‌ای‌سی‌دی‌ای‌اف (Secretary of Defense = SECDEF = وزیر دفاع): مقامی تحت نظر رئیس‌جمهور، که فرمانده کل قواست (commander in chief). وزارت دفاع تحت نظر او انجام وظیفه می‌کند. این وزارت‌خانه شامل است بر دفتر وزیر دفاع، ادارات نظامی و خدمات نظامی در هریک از این ادارات، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح و اعضای ستاد مشترک، فرماندهان عملیات رزمی، سازمان‌های دفاعی، فعالیت‌های میدانی وزارت دفاع، و

دیگر ادارات، سازمان‌ها، فعالیت‌ها، و فرماندهی‌هایی که ممکن است بر اساس قانون یا فرمان رئیس‌جمهور یا دستور وزیر دفاع ایجاد شوند.

سوکوم (Special Operations Command = SOCOM = فرماندهی عملیات ویژه): این واحد در ۱۶ آوریل ۱۹۸۷، در پاسخ به اقدام کنگره در تصویب «قانون تجدید ساختار دفاعی» گولدواتر-نیکولز در سال ۱۹۸۶ و نیز اصلاحیه نان-کوهن (Nunn-Cohen Amendment) بر قانون دفاع ملی مصوب ۱۹۸۷، ایجاد شد. کنگره اختیار داد که یک فرماندهی عالی جدید متشکل از ژنرال‌های چهارستاره، برای تدارک نیروهای عملیات ویژه (SOF) به منظور برنامه ریزی و اجرای مأموریت‌های خاص بنابه دستور رئیس‌جمهور یا وزیر دفاع، تشکیل شود.

ساف (Special Operations Forces = SOF = نیروهای عملیات ویژه): عنوانی که به واحدهای گزیده نظامی و متخصص در عملیات ضد شورش، آموزش نیروهای نظامی خارجی، امور درون مرزی، و عملیات روان‌شناختی اطلاق می‌شود. این نیروها از نظر جسمانی و روانی از حداکثر آمادگی برخوردارند، و تجهیزات و تسلیحات آن‌ها از نیروهای متعارف کامل‌تر است. آن‌ها در تیم‌های کوچک عمل می‌کنند و متشکل‌اند از نیروهای ویژه ارتش، که در موارد دیگر کلاه‌سبزها (Green Berets) نامیده می‌شوند؛ نیروهای ویژه نیروی دریایی (SEALs)؛ و درجه‌داران نیروی ویژه نیروی هوایی.

اسپیس‌کام (Space Command = SPACECOM = فرماندهی مکانی): این واحد در ۱۹۸۴ تأسیس و در ۱۹۹۲ تعطیل شد. در گذشته، یکی از واحدهای فرماندهی مشترک بود و مسئولیت‌های عملیاتی و نه جغرافیایی را برعهده داشت. از قبیل عملیات نظامی، تسلیحات، تمرین‌ها، و استراتژی‌های مکانی. مقرر آن در پیترسن (Peterson) قرار داشت.

توسا (Technical Operations Support Activity = TOSA = سازمان حمایت از عملیات فنی): یک سازمان مخفی اطلاعاتی، مراقبتی، و تجسسی (intelligence, surveillance, and reconnaissance = ISR) که از عملیات ویژه، فرماندهی عملیات ویژه مشترک (JSOC)، و دیگر فعالیت‌های کوتاه‌مدت اطلاعاتی و عملیاتی که مقتضی مراقبت نزدیک حضوری است پشتیبانی می‌کند. در گذشته، به عنوان‌های فعالیت اطلاعاتی حمایتی، فعالیت (Activity)، و روباه خاکستری (Grey Fox) نامیده می‌شد.

یواس دی (آی) (Undersecretary of Defense for Intelligence = USD(I) = معاون وزیر دفاع در امور اطلاعاتی): دارنده این مقام به عنوان همکار و مشاور اصلی وزیر

دفاع و قائم مقام او در همه امور اطلاعات نظامی، ضد اطلاعات امنیتی، و دیگر امور مرتبط با اطلاعات امنیتی انجام وظیفه می‌کند. این فرد برای همه فعالیت‌های اطلاعاتی وزارت دفاع نقش ناظر و هدایتگر سیاست‌ها را دارد؛ به علاوه، بر برخی عملیات خاص مدیریت دارد. نگاه کنید به DPAO، فصل ۴.

وضعیت زرد دائمی

اگرچه جوی وایتمن در هفتاد و شش سالگی به سختی می توانست راه برود، وقتی به زحمت می خواست کفش های تنیس سفید و تازه اش را بلند کند آرام بود، خود را از توی صندلی چرخ دارش بیرون کشید، و گوشه دستگاه اشعه ایکس را چنگ زد. در جوراب هایش تلوتلو خورد، تا از دستگاه پوشگر (اسکنر) فرودگاه، آیداهو عبور کند. گاردهای امنیتی فرودگاه صندلی چرخ دار خانم را تا کردند و در همان حالی که مراقب پیرزن فرتوت در روپوش روشن و گلدارش بودند، صندلی را از جلوی اسکنر گذراندند.

یکی از مأموران پرسید: «آیا بدون درد و به راحتی می تونید رد بشید؟»
او پاسخ داد: «آره، حتماً.»

پیرزن مطابق دستورالعمل ها، دستانش را بالای سرش برد، جیب هایش را از خرده کاغذهای درون آن ها خالی کرد، و بعد معذرت خواست که گواهی نامه رانندگی اش را در چمدانش گذاشته است و آن را همراه ندارد که با بلیت هواپیمایش به مأموران نشان دهد. حرکت صف مسافران پشت سر او کند شده بود. برخی از آنان از ناراحتی غرغر می کردند. برخی دیگر با همدلی می خندیدند و به آن منظره ناجور نگاه می کردند. من اخم کرده بودم. آخه چطور فکر می کردند که ممکن است آن پیرزن فرتوت تروریست باشد؟

اما وایتمن اصلاً خیالش نبود. وقتی از او پرسیدم که آیا از این دردسر و کنجکاوی مأموران ناراحت نیست، جواب داد: «نه، اصلاً، من نمی خوام چیزی رو منفجر کنم. اما ممکنه تفنگی چیزی همراه باشه.»

1. Joy Whiteman

همه پابرجای عددی برافزوده مترجم و همه پابرجای دارای علامت * از کتاب اصلی و متعلق به نویسندگان آن است. - ناشر.

شوهرش، بیل، ۷۲ ساله، غریب: «آره، این آدم‌ها همیشه یک قدم جلوتر از ما هستن.»
 خنده و ایتمن رنگ باخت و گفت: «دفعه پیش، اونا منو بی‌آن‌که از اشعهٔ بنفش رد کنند
 گشتند. ممکن بود بمبی یا مواد منفجره‌ای با خود داشته باشم.»

پس از دهه‌ای اختراهای متوالی علیه تروریسم و حملات احتمالی آن‌ها به ایالات متحد
 امریکا، و ایتمن متقاعد شده بود که باید از خیلی چیزها بترسد. راه رفتن بدون صندلی
 چرخ‌دار و گذشتن از دستگاه اسکنرهای اندکی بود که برای ایمنی باید می‌پرداخت. مهم نبود
 که هیچ تروریستی هرگز دست‌اش به او نرسیده بود یا در زمان گذشتن از دستگاه اسکنر
 توطئه‌ای از او کشف نکرده بودند. این هم اهمیتی نداشت که وزارت امنیت داخلی، که مسئول
 تأمین امنیت فرودگاه‌ها بود، از طرف اعضای همهٔ سازمان‌های اطلاعاتی دیگر مسخره
 می‌شد چون که یاد نگرفته است توجه‌اش را بر چه چیزهایی که باید متمرکز کند و هنوز در
 همه‌جا خطر می‌بیند.*

منظرهٔ جوی و ایتمن که به زحمت ایستاده بود تا اسکنر بتواند کل هیکل او را ببیند در حالی
 که گاردهای امنیتی، که پول‌شان را مالیات‌دهندگان می‌پردازند، مواظب بودند که به زمین
 نیفتد، استعاره‌ای نمادین است از آن‌چه در طول ده سال گذشته در امریکا اتفاق افتاده است.
 گاردهای امنیتی مرتب با اختراهای و هشدارهای وحشتناک مقامات امنیت ملی مواجه‌اند که
 غفلت نکنند و مواظب بمب‌های کثیف، سلاح‌های شیمیایی، مواد سمی، هواپیماهای در
 خطر انفجار، و بمب‌اندازان انتحاری باشند، و ملتی مرکب از مردان و زنانی مثل و ایتمن‌ها
 مرتب صدها میلیارد دلار سلفیده است تا ماشین دولت بتواند بر تروریسم پیروز شود،
 بی‌آن‌که حتی سؤال کند که در مقابل پولش چه چیزی به دست می‌آورد. حتی اگر بخواهد
 پاسخ این سؤال را بشنود، کسی به او جواب نخواهد داد، زیرا هم مقامات تصمیم گرفته‌اند که
 شریک کردن دیگران در چنین اطلاعات محرمانه‌ای به امنیت ملی لطمه می‌دهد و خواهد زد و
 هم این‌که آن مقامات خودشان هم واقعاً چیزی نمی‌دانند.

در آشوب هراس‌آلودی که از اواخر سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۲ به راه افتاده بود، این‌گونه

* این هم اهمیتی ندارد که بار آخری که جیمز جونز، مشاور امنیتی پیشین پرزیدنت اوپاما، وقتی از فرودگاه
 تل‌اوویو می‌گذشت، از گاردهای امنیتی پرسید: «آیا به کفش‌هام کاری ندارید؟» جونز، که تقریباً به مدت دو
 سال همه‌روزه گزارش‌های محرمانه را دربارهٔ تروریسم می‌خواند، مسلماً فکر نمی‌کرد که اسرائیلی‌ها
 اقدامات امنیتی را آسان می‌گیرند. اما دوباره تشخیص داد که تا چه حد از شدت عملکرد مأموران امریکایی،
 حتی اگر واقعاً هم فکر نمی‌کرد که بیش از اندازه حساسیت نشان می‌دهند، ناراحت شده است.

برخورد همه‌جانبه با تروریسم قابل درک بود، به‌خصوص که سیاف بی‌آی، و ضد اطلاعات ارتش به‌واقع چیز زیادی درباره‌ی القاعده نمی‌دانستند. اما در این ده سال، آن‌ها گام‌هایی بلند در مسیر افزایش توانمندی‌های مراقبتی فنی و تحلیل‌های اطلاعاتی برداشته‌اند. آن‌ها در این فاصله به اندازه‌ای از فعالان القاعده کشته‌اند (و نیز از وابستگان بعد از ۹/۱۱ این جماعت) که احتمالاً فقط چند صد نفری از آنان در دنیا باقی مانده‌اند. پس، این برخورد همه‌جانبه و همه‌جایی دیگر معنایی ندارد.

یکی از دلایل این که آمریکا در حالت اعلام وضع فوق‌العاده و آماده‌باش زرد^۱ دائمی باقی مانده است* — یعنی «خطر فوق‌العاده»^۲ حمله‌ی تروریستی در شرایط نبود اطلاعات مشخص — و این که چنان دستگاه‌ها و سازمان‌های پیچیده‌ای را مأمور تلاش برای دفاع از مملکت کرده است، این است که غلط بودن^۳ برای سیاستمداران واشنگتن خیلی هزینه برمی‌دارد. جیمز جونز، مشاور امنیت ملی اوباما، فرمانده پیشین تفنگداران دریایی، می‌پرسید: «چه کسی جرئت می‌کند شخصی باشد که بگوید ما دیگر به این چیزها نیازی نداریم، و سپس چند هفته بعد ماجرای اتفاق بیفتد؟» و اضافه می‌کرد: «من تصور نمی‌کنم که دیگر هرگز بتوانیم اوضاع را به حالت گذشته برگردانیم.»

به باور ما، دلیل اصلی این امر آن است که دولت هنوز مردم آمریکا را در محاوره‌ای صادقانه در باب تروریسم و پاسخ درخور ایالات متحد به آن شریک و دخیل نکرده است. ما امیدواریم کتاب ما برانگیزنده چنین گفت‌وگویی باشد. بسیاری از اعضای جامعه‌ی اطلاعاتی^۴ دل‌شان می‌خواست که این کتاب اصلاً منتشر نشود. قبل از انتشار سری اولیه‌ی مقالات مان تحت عنوان «امریکای به کلی محرمانه»^۵ در واشنگتن پست در ژوئیه ۲۰۱۰، پایگاهی اطلاعاتی^۶ را که در طول چندین سال تحقیق مان درباره‌ی دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی درگیر در سطوح اطلاعاتی به کلی محرمانه ایجاد کرده بودیم به دولت نشان دادیم. و توضیح دادیم که داده‌ها را چگونه از اطلاعاتی که در اختیار عموم است گلچین کرده‌ایم، و خواستیم که هرآینه اگر دغدغه‌هایی امنیتی دارند،

1. Yellow Alert

* وزارت امنیت داخلی در آوریل ۲۰۱۱ به آماده‌باش‌های رنگی پایان داد، اما بسیاری از فرودگاه‌ها و سازمان‌های دولتی هم‌چنان به استفاده از آن‌ها ادامه می‌دهند.

2. "Significant Risk"

3. being wrong

4. intelligence community (IC)

5. Top Secret America

6. database

برای مان بگویند. اما بعد از بحث‌های تفصیلی با بیشتر شانزده سازمان جامعه اطلاعاتی^۱، از دفتر مدیر اطلاعات امنیت ملی (DNI)، که مسئول هدایت این شانزده سازمان است، با تقاضایی تعجب‌آور مواجه شدیم: پایگاه اطلاعاتی را منتشر نکنید. به ما گفته شد که انتشار این اطلاعات ممکن است به امنیت ملی لطمه بزند. دفتر مزبور از بیان جزئیات امر خودداری کرد و به پیمانکاران خود درباره انتشار قریب الوقوع سلسله مقالات هشدار داد. واشنگتن پست در این فاصله شروع به شناسایی مخاطرات مربوط به امنیت ملی کرده بود، و مارکوس براچلی^۲، سردبیر اجرایی روزنامه دستور داد که تغییر لازم در مقالات صورت گیرد.

ما از انتشارات لیتل براون سپاس‌گزاریم که اجازه داد اطلاعات خود را از طریق این کتاب با تفصیل و جزئیات بسیار بیشتر به خوانندگان ارائه دهیم.

با آن‌که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون بسیاری از اطلاعات و برنامه‌های طبقه‌بندی شده^۳ به شکل غیرمجاز منتشر شده است، مقامات نظامی و اطلاعاتی کشور ما نتوانسته‌اند حتی به یک مورد که امنیت ما بر اثر انتشار این اطلاعات لطمه جدی دیده باشد برخورد کنند. برعکس، به سبب اجازه دادن به دولت که هم چنان در شرایطی تاریک و مبهم عمل کند و پول مالیات‌دهندگان را هم چنان صرف برنامه‌هایی کند که ارزشی ندارند و به کارکنانی پرداد که بسیاری از آنان مقاطعه کاران خصوصی هستند و هیچ‌گونه مشارکت قابل ملاحظه‌ای در امنیت مملکت ندارند، لطمه‌هایی بسیار به خود تلاش‌های ضد تروریستی، به اقتصاد امریکا، و به هدف‌های راهبردی (استراتژیک) ایالات متحد وارد شده است. اجازه دادن به بیرونی‌هایی مثل ما تا کمبودها را نشان دهند، یکی از حمایت‌های بزرگی است که قانون اساسی امریکا از رسانه‌ها کرده است.

حمله ۹/۱۱ القاعده را «جنگ» خواندن، تضمین کرد که دولت بتواند طبقه‌بندی کردن هر چیزی را که با این «جنگ» مربوط باشد توجیه کند. در دوره جورج بوش، تلاش‌های روزنامه‌نگاران برای نشان دادن چگونگی به راه انداختن این «جنگ» علیه القاعده، معمولاً با انتقاد رهبران ارشد دولت، اعضای کنگره، «سردمداران»^۳ تلویزیون‌های کابلی، و گاهی حتی

جامعه اطلاعاتی (IC) امریکا متشکل از شانزده سازمان و مؤسسه است در درون قوه مجریه امریکا. دفتر مدیر اطلاعات امنیت ملی هفدهمین عضو این جامعه است؛ و بعضی‌ها وزارت دفاع را هم عضوی دیگر از آن جامعه می‌دانند؛ ولی طبق فرمان اجرایی (executive order) رئیس‌جمهوری این جامعه متشکل از شانزده سازمان است. برای آگاهی از نام و خصوصیات این سازمان‌ها، نک: فهرست نام‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها در صفحات آغازین کتاب حاضر و پابرجای بعدی.

1. Marcus Brauchli

2. classified information and programs

3. pundits

مردم عادی مواجه می‌شد. بسیاری از آن روزنامه‌نگاران امیدوار بودند که آن اوضاع در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما تغییر کند. این درست است که این رئیس‌جمهور و اعضای کابینه او به اندازه پیشینیان خود رسانه‌های خبری را آشکارا دست‌کم نگرفته و تحقیر نکرده‌اند. اما، در واقعیت امر، وضعیت عملاً خیلی بدتر شده است. وزارت دادگستری پرزیدنت اوباما مواضعی به مراتب تهاجمی‌تر نسبت به افشای غیرمجاز اطلاعات طبقه‌بندی شده اتخاذ کرده است و تحقیقات آن درباره درز کردن اطلاعات از دولت بوش بسیار شدیدتر است. شاهد این سخن، ادعای اخیر است که علیه یکی از کارمندان سابق سیا، که ادعا می‌شود با جیمز رینس^۱، کتاب‌نویس و از گزارش‌گران نیویورک تایمز صحبت کرده، صادر شده است. گفته می‌شود که او درباره تلاش نافرjامی که برای نشر اطلاعات نادرست درباره برنامه‌های هسته‌ای ایران صورت گرفته بود اطلاعاتی به آن خبرنگار داده است؛ و نیز ادعای نامی که علیه تامس دریک^۲، مقام سابق «سازمان امنیت ملی» (NSA)، به این اتهام صادر شده که او به گزارش‌گر بالتیمور سان کمک کرده است تا درباره میلیاردها دلار که در آن سازمان تلف می‌شود گزارشی تفصیلی بنویسد. در اوایل ژوئن ۲۰۱۱، دولت مجبور شد به دریک پیشنهاد سازش دهد چون وکلای دولت اظهار داشتند که مایل نیستند اطلاعات محرمانه مربوط به ماجرا را در دادگاه مطرح کنند. دریک پیشنهاد دادستان را پذیرفت و به این جرم اعتراف کرد که مرتکب خطا شده و برخی اطلاعات موجود در کامپیوتر دولت را در اختیار شخصی غیرمجاز قرار داده است. انتظار می‌رود که او به زندان محکوم نشود. نمونه دیگر مربوط می‌شود به تامس تام^۳، مقام پیشین وزارت دادگستری. در اوت ۲۰۰۷، هجده مأمور اف‌بی‌آی، برخی از آن‌ها با سلاح‌های آماده شلیک، به خانه تامس هجوم بردند و در حالی که فقط همسر و فرزندان او در خانه بودند به بازرسی اوراق و پرونده‌های او پرداختند. در آن زمان، رسیدگی به نقش ادعایی تامس تام در کمک به نیویورک تایمز برای چاپ ماجرای افشای آن مجاز نبود در جریان بود. دولت در آوریل ۲۰۱۱ پس از چهار سال دعوای خود را پس گرفت، ولی در آن هنگام کار راهه اداری تامس ویران شده و اوضاع مالی او در مخاطره قرار گرفته بود.

وزارت دادگستری، هم‌چنین، در حال بررسی طرح ادعای علیه ژولیان آسانز^۴، بنیان‌گذار ویکی‌لیکس^۵، به اتهام جاسوسی و انتشار ده‌ها هزار صفحه از اسناد طبقه‌بندی شده دستگاه دیپلماسی امریکا و گزارش‌های مرتبط با جنگ است، که ادعا می‌شود برخی از آن‌ها از طرف یکی از افسران جوان ارتش، که او نیز تحت تعقیب است، در اختیار آسانز قرار گرفته

1. James Risen

2. Thomas Drake

3. Thomas Tamm

4. Julian Assange

5. WikiLeaks

است. صرف نظر از اعلام آشکار و علنی عقاید آسانژ در مخالفت با سیاست‌های امریکا و اتهام‌ها علیه رفتار شخصی او، باید گفت که انتشار بی سابقه این گنجینه اسناد به گزارش‌گران در سراسر دنیا اجازه داده است تا به نوشتن بعضی از بصیرانه‌ترین و روشن‌گرانه‌ترین مقالات درباره ماجراهای زمانه ما اقدام کنند. در برخی موارد، این مقالات و روشن‌گری‌ها حتی باعث برانگیختن اعتراضات شجاعانه علیه رژیم‌های فاسد و غیردموکراتیک شده است، اعتراض‌هایی که دولت امریکا ظاهراً به نام تشویق دموکراسی می‌گوید از آن‌ها حمایت می‌کند.

کنگره نیو به قطار حمایت از پنهان‌کاری و رازنگهداری پریده است. بنیامین کاردین^۱، سناتور مریلند، ایالتی که مقر «سازمان امنیت ملی» (NSA) یعنی استراق‌سمع‌کننده اصلی مملکت در آن قرار دارد، در سال ۲۰۱۱ طرحی ارائه داد که به موجب آن افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده نزد افراد غیرمجاز مجرم جنایی محسوب می‌شود. این طرح، حوزه عمل قانون کنونی را که افشای اطلاعات محرمانه را در امور هسته‌ای، رمزهای اداری، طرح‌های تسلیحات اتمی، رهگیری‌های الکترونیک و فاش کردن هویت مأموران مخفی غیرقانونی می‌شمارد، بسیار گسترش می‌دهد. اما مهم‌تر از همه، این نکته است که این طرح حتی قدرت بیشتری به قوه مجریه می‌دهد تا هر چیزی را که بخواهد طبقه‌بندی شده اعلام کند، نه آن‌که ملزم به نشان دادن و اثبات این موضوع باشد که انتشار اطلاعات مورد نظر باعث لطمه زدن به امنیت ملی خواهد شد.

اگر قانون کاردین بعد از ۱۱ سپتامبر وجود می‌داشت، در برنامه‌ها دشواری‌های بس بیشتری در انتشار داستان‌های مربوط به زندان‌های مخفی سیا و رفتارهای وحشیانه با زندانیان می‌داشتند. ممکن بود روزنامه‌نگاران از افشای این موضوع که معلوم شده بسیاری از اسیران در زندان نظامی گوانتانامو، کوبا، اساساً تروریست نبوده‌اند منع شوند؛ یا بد رفتاری سربازان ارتش امریکا با زندانیان ابوغریب آشکار نشود؛ یا این موضوع که سازمان امنیت ملی (NSA) بدون کسب اجازه قانونی به ضبط مکالمات مردم ساکن در ایالات متحد مشغول است به آگاهی عموم نرسد؛ و حتی از این موضوع هم کسی آگاه نمی‌شد که پاکستان در سال ۲۰۱۱ اقدام به توقیف مردانی کرده است که گفته می‌شد در آن کشور به مقامات امریکایی برای یافتن بن لادن کمک کرده‌اند.

قانون مزبور، هم‌چنین، کمک کارمندان دولت را به گزارش‌گرانی که در سال‌های ۲۰۰۲ و

۲۰۰۳ مقالات تحلیلی نوشتند و ضعف شواهد موجود را درباره وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق گوشزد کردند، یا هفت سال بعد، گفته یکی از مأموران اطلاعاتی پیشین آلمان را، با نام مستعار کورویال^۱، که به نحوی شگفت‌آور اعتراف کرد که داستان او یکسره ساختگی بوده است، انتشار دادند غیرقانونی اعلام می‌کرد.

لایحه دیگری که اکنون در دست بررسی است، هرگونه افشاگری یا انتشار اطلاعات مربوط به عوامل انسانی اطلاعاتی - یعنی جاسوس‌ها و خبرچین‌ها - را ممنوع کرده و مشمول مجازات قرار می‌دهد. اگر این لایحه تبدیل به قانون شود، روزنامه‌ها احتمالاً از انتشار مقاله درباره ماهر ارار^۲، شهروند کانادا، که مقامات امریکایی به اشتباه تصور می‌کردند تروریست است و او را در سال ۲۰۰۲ به پلیس خشن سوریه تحویل دادند، منع می‌شدند. یا اقدام ناشیانه سیا در مقدمه، که مأموران در آنجا خالد المصری^۳، تبعه آلمان، را به جای فرد دیگری گرفتند و خالد برای چند ماه ناپدید شد، جریانی که به اختلال عقلی او انجامید، به گوش کسی نمی‌رسید. خالد امروزه مردی ازدست‌رفته است، و ایالات متحد حتی زحمت یک معذرت‌خواهی ساده را به خود نداده است.

کتاب ما، رویه‌ای متفاوت پیشنهاد می‌کند: این که فقط شفافیت و بحث و گفت‌وگو می‌تواند ما را از شر تروریسم و دیگر چالش‌های جدی و کمرشکنی که امریکا با آن‌ها مواجه است نجات دهد. تروریسم صرفاً خشونت‌آمیز و کورکورانه نیست، بلکه همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، به القا کردن بدگمانی و دلواپسی و اضطراب گسترده و همه‌جانبه هم ارتباط دارد. هدف آن، مختل کردن اقتصادها و برانگیختن دولت‌ها به اعمال فشار و خشونت است. اکنون زمان پایان دادن به ترس و وحشتی ده‌ساله فرارسیده، و باید سالانی عظیم را که می‌شد صرفه‌جویی کرد یا به مصارفی بهتر رساند، صرف چیزی کرد که به واقع می‌خواهیم از آن دفاع کنیم، و بدین منظور، عصری تازه شروع کنیم که مبشر باز بودن و شفافیت امور و امنیت بیشتر ما در مقابل دشمنان مان باشد.

یادداشتی در باب روش کار (متدولوژی)

کنکاش ما متمرکز بود بر کارهای به کلی محرمانه^۴، چون تعداد حیرت‌انگیز کارهایی که در

1. Curveball

2. Maher Arar

3. Khalid al-Masri

4. top secret

یک مرحله پایین تر، یعنی محرمانه^۱، طبقه بندی شده چنان زیاد است که به این آسانی ها نمی توان به دقت به بررسی آن ها پرداخت. ما با مقامات کنونی و پیشین نظامی، دفاعی، اطلاعاتی، و پیمانکاران خصوصی صدها مصاحبه انجام دادیم، و دست کم از یکصد مکانی که کارهای به کلی محرمانه در آن ها انجام می گیرد دیدن کردیم.

ایجاد پایگاهی اطلاعاتی از سازمان های دولتی و شرکت های خصوصی مرتبط با کارهای به کلی محرمانه، مستلزم جمع آوری صدها هزار سند حکومتی درباره سازمان های دولتی و شرکت های خصوصی مربوط در دوره ای دو و نیم ساله بود. این اوراق شامل اسناد دولت، قراردادها و دستورهای ضربتی، شرح مشاغل دولتی و شرکتی، سوابق اموال و بودجه ها، وبسایت های اجتماعی، پایگاه های اطلاعاتی شرکت ها، و دیگر موارد مرتبط می شد.

به افراد در این کتاب حسب عنوان یا مقامی که در هنگام مصاحبه ما با آن ها داشته اند اشاره می شود. اما به این موضوع باید اشاره کنیم که اکثریت غالب مقامات کنونی و پیشین که موافقت کردند به پرسش های ما پاسخ دهند و ملاحظات و ارزیابی های خود را در باب این دنیای پنهانی بیان کنند، خواسته اند که نام شان مخفی بماند. غالب کسانی که به ما کمک کردند آگاه بودند که با این کار برخی مقررات داخلی سازمان های خود را زیر پا می گذارند؛ با این همه به ما کمک کردند زیرا می خواستند تلاش ما برای به تصویر کشیدن و توصیف کارکردهای درونی دنیای پس از ۱۱ سپتامبر دقیق تر و کامل تر باشد، و نیز بدین خاطر که آن ها هم تصور می کنند که اطلاعاتی که طبقه بندی شده بیشتر از اندازه لازم است و این افراط هیچ دلیل موجهی ندارد. آنان سخن گفتند، زیرا آن ها هم از این موضوع نگران و ترسانند که یکی از مهم ترین رازهای پنهان امریکای فوق سری، سوء عملکرد آن است.

منابع ناشناس یا دارای نام های مستعار به شکل های گوناگون به تحقیق ما وارد شدند: افرادی با تأیید دولت با ما مصاحبه کردند مشروط بر این که هویت شان فاش نشود؛ افرادی هم بدون تأیید دولت موافقت کردند که اوضاع را برای ما شرح داده و ارزیابی های خود را ارائه دهند، ایضاً مشروط بر این که نام های شان مخفی بماند. برخی از این گروه دوم به علاوه خواستند که شاخه نظامی، سازمانی، مقام، و یا اداره خاص آنان مکتوم بماند. در غالب موارد، حکایت ها یا حقایقی که منابعی که مایل بودند ناشناخته بمانند بر زبان می آوردند، حداقل برای تأیید شدن با یک نفر و غالباً با چند نفر دیگر در میان گذاشته می شد. با بسیاری ادارات

دولتی نیز برای آگاه شدن از نظرها و تفسیرهای آن‌ها تماس گرفته شد. اکثر آن‌ها پاسخ مثبت دادند. چندتایی هم روی خوش نشان ندادند.

ما دلالت‌ها و پیامدهای کار خود را بر امنیت ملی همواره در نظر داشته‌ایم، و از همین رو متذکر بعضی اطلاعات به دست آمده نشده‌ایم. هدف ما از توصیف این جنگل دامن‌گستر و تودرتوی سازمان‌ها و بنگاه‌های امنیتی محرمانه، تقویت امنیت ملی و افزایش آگاهی و درک عموم مردم از آن است.